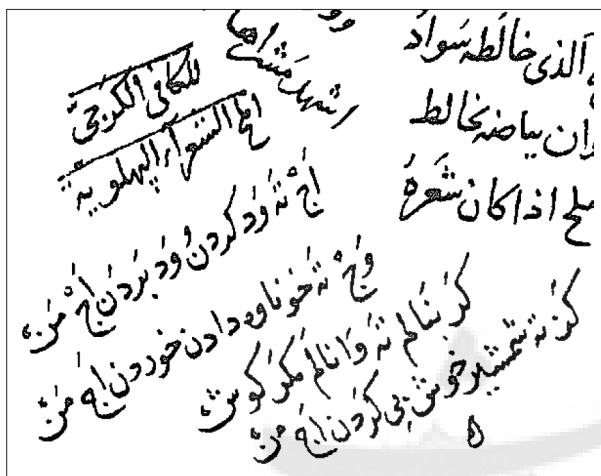


افزوده شود.

نخستین فهلوی (برگ ۶۱۶) بدون نام سراینده درج شده است. دربارهٔ کافی کرجی که فهلوی دوم (برگ ۶۲۰) از اوست، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (ص ۷۴۶) چنین نوشته است:

و هو ابو الفرج احمد بن محمد. مداح مجد الدین علاء الدوله همدانی بود، به اول فترت مغول در گذشت. به زبان کرجی اشعار خوب دارد؛ دو سه بیت نوشته شد، از جهت تبرک...



برگ ۶۲۰ مجموعه پاریس

و سپس چند بیتی از وی آورده است که البته بیت موجود در مجموعه پاریس در آنجا نیست.

منابع

مجموعه کتابخانه ملی پاریس، شماره ۳۴۲۳، مورخ قرن نهم، ۸۴۸ برگ.
مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
مصاحب، غلامحسین، ۱۳۸۱، دایرة المعارف فارسی، تهران: جیبی.

۲

دربارهٔ ابوطاهر مکشوف و باباطاهر

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن
مصلحی توای تو سلطان سخن
یاد ده ما را سخن‌های دقیق
تا تو را رحم آورد آن، ای رفیق

سه یاره

سهیل یاری گل درّه

yari.sohail@yahoo.com

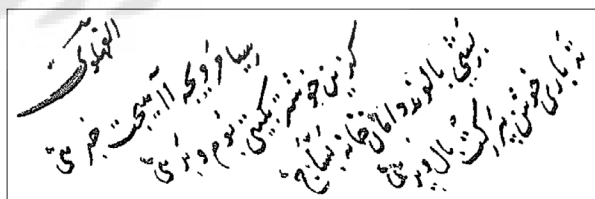
۱

دو فهلوی در مجموعه ۳۴۲۳ پاریس

دربارهٔ چيستی فهلویات می‌توان چنین گفت:

در ادبیات پس از اسلام، ترانه‌ها و شعرهایی که به لهجهٔ محلی‌ای غیر از فارسی دری — که پس از اسلام زبان رایج سیاسی و نظم و نثر ایران شده است — سروده شده باشد. اوزان این ترانه‌ها و شعرها البته هجایی است، ولی به اوزان عروضی نیز فهلویات (از نوع شعر) گفته‌اند...

(مصاحب، ۱۳۸۱، ج ۱/۲، ۱۹۵۶ ذیل «فهلویات»)



برگ ۶۱۶ مجموعه پاریس

مجموعهٔ ارزشمند پاریس که در آن چند تاریخ که همگی متعلق به قرن نهم می‌باشد دیده می‌شود، مجموعهٔ ارزشمندی به نظم و نثر فارسی و عربی است. وجود دو فهلوی ناشناخته در آن، از جمله فواید این مجموعه است. از آنجا که یافتن این سروده‌ها و تدوین یکجای آن‌ها اهمیت خاصی دارد در ذیل، آن دو سروده را آورده‌ایم، باشد که این دو فهلوی نیز به مجموعهٔ فهلویات یافته شدهٔ دیگر

المعروفین بالخصال الحميدة و الأخلاق المرضية»؛ یعنی به خلق و خواهی ستوده و اخلاق خشنود کننده مشهور بود. باری؛ به هر حال با توجه به مطالب دو کتاب کهن و ارزشمند این احتمال وجود دارد که ابوطاهر مکشوف مذکور در کشف المحجوب همان ابوطاهر مکشوف الراس اصفهانی — که شیخ صوفیه بوده است — باشد و ربطی به باباطاهر همدانی نداشته باشد. الله اعلم و فوق کل ذی علمٍ علیم.

منابع

ابن الشجری، هبة الله بن علی، امالی ابن الشجری، تصحیح محمود محمد الطناحی، قاهره: مکتبة الخانجی، ۱۴۱۲ق.
سمعانی، عبدالکریم، الأنساب، مصحح عبدالرحمان معلمی، حیدرآباد: دایرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ق.

۳

نکاتی درباره کتاب بدائع الملح و تصحیح آن

کتاب ارزشمند بدائع الملح نوشته ادیب و عالم فاضل قاسم بن حسین بن محمد طرائفی خوارزمی (۵۵۵-۶۱۷ق) است. این کتاب که در واقع جُنْگی از اشعار لطیف عربی از شعرای بزرگی چون سید رضی، ابوالعلائی معری، ابیوردی، الغزّی، زمخشری، ابوبکر خوارزمی، بدیع الزمان همدانی، ابن بابک، ثعالبی و ... است، و البته باب پایانی کتاب جملات منثور و حکایاتی از امام علی^(ع) و ... است. موفق بن طاهر خوارزمی به سال ۵۹۲ق کتاب مذکور را ترجمه کرده است. همچنین مؤلف در ماه صفر ۵۹۳ق نسخه مزبور را دیده است و اجازه نامه‌ای با خط خویش به نام موفق بن طاهر به آخرین برگ کتاب نوشته است. اینک ما متن ترجمه شده به همراه متن عربی کتاب را در اختیار داریم.

از ویژگی‌های مهم این کتاب می‌توان به دو مورد ذیل اشارات کرد:

۱. از آنجا که نسخه موجود اثر مذکور، مورخ ۵۹۲ق است، حاوی سروده‌هایی از بزرگان ادب عرب می‌باشد که نوعاً پاره‌ای از این اشعار را در دیوان‌های چاپ شده آن شاعران نمی‌بینیم و از این حیث حتماً مصححان آن دیوان‌ها

استاد محمدرضا شفیعی کدکنی در مقدمه کتاب اسرار التوحید (۵۸-۵۹) به نکاتی درباره باباطاهر همدانی اشاره کرده‌اند؛ از جمله آن نکات این است که این باباطاهر عریان همان «ابوطاهر مکشوف» است که هجویری در کشف المحجوب (ص ۲۶۲؛ تصحیح دکتر محمود عابدی) به وی اشاره کرده و او را «از اجله وقت» دانسته است؛ همچنین استاد شفیعی کدکنی در پژوهش ارزشمند خود یعنی قلندریه در تاریخ (ص ۲۶۳) و بدون قید احتمالاً و ... نیز اشاره می‌کند که کشف المحجوب هجویری قدیمی‌ترین جایی است که از باباطاهر یاد شده، آن هم با لقب «مکشوف» به معنای عریان.

نگارنده بی‌بضاعت این سطور چند وقت قبل به نکات قابل تأملی برخورد کرد که شایسته دید آن را بیان کند؛ ابن الشجری (ف ۵۴۲ق) در کتاب نفیس خود یعنی امالی در جاهای مختلف از کسی با نام «ابوطاهر بن عبدالکریم بن عبدالواحد بن محمد الحسناباذی مکشوف الرأس» (ج ۱، ص ۳۵۰ و ده‌ها جای دیگر از همین کتاب) نام می‌برد و از وی مطالبی نقل می‌کند؛ اتفاقاً از وی با عنوان «شیخ الصوفیه در اصفهان» نام می‌برد. وجود سه عنصر «ابوطاهر»، «مکشوف [الرأس]» و «شیخ الصوفیه» احتمال این حدس را که آن «ابوطاهر مکشوف» مذکور در کشف المحجوب همین ابوطاهر مکشوف یاد شده در امالی ابن شجری باشد تقویت می‌کند. ضمناً در صورت یکی بودن ابوطاهر موجود در کشف المحجوب و امالی شجری، دیگر مکشوف به معنای مطلق «عریان» نیست و باید با توجه به «مکشوف الرأس»، «سربرهنه» را جایگزین «عریان» کرد. یعنی ظاهراً معمم نبوده است. الله اعلم.

از سویی دیگر سماعی (ف ۵۶۲ق) در کتاب بسیار نفیس الأنساب هم از اجداد ابوطاهر و خود او و فرزندش ذکر خیری کرده است (ذیل مدخل «الحسناباذی» که جز اصفهان بوده است)، سماعی (ج ۴، ص ۱۵۸) درباره فرزندش نوشته: «من بیت التصوف و الحدیث»! (یعنی از خانواده اهل تصوف و حدیث بود)؛ سال وفات فرزند ابوطاهر را هم سنهٔ اربع و ثمانین و اربعمائه (یعنی ۴۸۴) نوشته است؛ او از ابوطاهر مورد بحث ما هم چنین یاد می‌کند: «کان من

الباب السادس: في الأثنية والشكر والاستماعة و
المدائح و ما يتعلق بحال الممدوح و المادح.
الباب السابع: في الإخوانيات و ذكر التحية و الاشتياق
و لوعة الفراق.

الباب الثامن: في شكايه الدهر و أهله و رثائه حال
الأدب و خفوت نجوم الأحساب.

الباب التاسع: في الهجاء و المجون و الهزل و مباسطات
أهل الفضل.

الباب العاشر: في التهاني الأنيقة و التعازي الرقيقة.

الباب الحادي عشر: في الشيب و الزهد و المناجاة و
صفاء العقائد و حسن النيات.

الباب الثاني عشر: في فصول مشورة من ملح الأفاضل
و نكت الأمثال.

و اینک باب‌های کتاب بدائع المُلح

الباب الاول: في الحكم و الأمثال.

الباب الثاني: في مكارم الأخلاق.

الباب الثالث: في الافتخار بالنفس و الآباء.

الباب الرابع: في الخمر و الغزل.

الباب الخامس: في الأوصاف و التشبيهات.

الباب السادس: في الثناء و الشكر و الاستماعة.

الباب السابع: في المكاتبات و ضرور من المؤاخاة و
الشوق.

الباب الثامن: في الهجاء و المجون.

الباب التاسع: في شكايه الدهر و أهله.

الباب العاشر: في التهاني و التعازي.

الباب الحادي عشر: في الشيب و الزهد.

الباب الثاني عشر: في لطائف الحكايات و
المحاضرات.

همان‌گونه که دیدید، شباهت‌ها به گونه‌ای است که نمی‌توان
آن را به «توارد» و ... حمل کرد. گذشته از این شباهت،
همانندی‌های دیگری نیز در این دو کتاب می‌بینیم، مثلاً از
ابیوردی و غزی در هر دو کتاب با عنوان «جمال العرب
الابیوردی» و «اوحده الزمان الغزی» نام برده شده، در حالی

باید به این کتاب عنایت ویژه‌ای داشته باشند. همچنین به
سبب قدمت نسخه کتاب، در تصحیح سروده‌های آن
شاعران باید به ضبط‌های موجود در این کتاب توجه ویژه
داشت. یکی از منابع اساسی نگارنده این سطور در تدوین
اشعار پراکنده به جامانده از ابوالفرج هندو و ابوسعید
رستمی اصفهانی همین کتاب بوده است. به یاد داشته باشیم
که از جمله دو سه کتابی که حاوی معدود اشعار عربی به
جامانده مسعود سعد سلمان است، نیز همین کتاب است
و ظاهراً تنها در همین منبع است که آن چند بیت ادیب
سیار فاضل «حریری» در ستایش اشعار عربی مسعود
دید می‌شود.

۲. وجود لغات فارسی فراوان در ترجمه این کتاب
اهمیت بسیاری دارد، که در فرهنگ‌نویسی‌های جدید باید
به آن واژه‌ها توجه داشت، زیرا که دارای نواذر لغاتی است
که نوعاً در کتاب‌های کهن دیده نمی‌شود.

خوشبختانه کتاب بدائع را جناب آقای مصطفی اولیایی
تصحیح و چاپ کردند؛ لکن علی‌رغم زحمات بسیاری که
مصحح ارجمند کشیده‌اند کم و کاستی‌هایی در کار ایشان
دید می‌شود که لازم است در اینجا بیان شود.

به نظر نگارنده، بدائع المُلح با عنایت به ساختار کتاب
بسیار نفیس طرائف الطُّرف حارثی مشهور به بارع بغدادی
(۴۴۳-۵۲۴ق) نگاشته شده است. در ذیل به ترتیب
باب‌های موجود در طرائف الطُّرف و بدائع المُلح را
می‌آوریم تا متوجه تأثیر خوارزمی در آن کتاب بشویم:

باب‌های کتاب طرائف الطرف

الباب الأول: في الحكم و الأمثال و ما يحسن منها في
الكتابة و المقال.

الباب الثاني: في محاسن الأخلاق الدالة على شرف
الأعراق.

الباب الثالث: في الفخر بالنفس و الجدود و ذكر
البأس و الجود.

الباب الرابع: في الخمریات المفسقة و الغزلیات المعشقة.

الباب الخامس: في الأوصاف البديعة المليحة و
التشبيهات الرائعة الصحيحة.

نسبت داده‌اند: خوارزمی، الأمثال، ص ۳۳۴؛ زمخشری، ربیع، ج ۱، ص ۳۸۶؛ اصفهانی، محاضرات، ج ۲، ص ۱۶. در فهرست اعلام، نام کسانی چون بدیع الزمان همدانی و یا مجیرالدوله از قلم افتاده است!

علاوه بر این، اغلاطی مطبعی در کتاب دیده می‌شود: در مصراع صفحه ۶۳ به جای «حزوی»، «خزوی» طبع شده است: «بَدَتْ یومَ حَزوی من کواها المحاجر»، در مصراعی دیگر (ص ۸۳) به جای «الخنساء»، «الخنساء» آمده است: «کما کانت الخنساء تبکی علی صخر»، در بیتی هم (ص ۱۱۵) به جای «نادیه»، «نادیه» آمده است:

هذی نواعی العلی مُذْمُتٌ نادیهً
من بعد ما ندبتک الخُرْدُ العین

در این مصرع به جای «جَفَّت»، «حَفَّت» آمده است: «حفت علی آثاره الأعواد» (ص ۱۲۹)، در فهرست اعلام (ص ۱۹۶) نام ابوسعید الرستمی، «ابوسعید الرسمى» ثبت شده است.

مصحح در پاورقی برخی صفحات به تأثیر قرآن در بعضی از ابیات اشاره کرده است، مصراع دوم بیت ذیل نیز عیناً از بخش پایانی آیه ۲۰ سوره انسان گرفته شده است:

إذا ما حَلَلتَ بِمَعْنَاهُم
رأیتَ نعیماً و مُلکاً کبیراً

(ص ۷۷)

دیوان برخی از شعرايي که در بدائع شعری از آنها هست، پیش از چاپ کتاب بدائع چاپ شده است و پاره‌ای پس از چاپ کتاب، که شایسته است مصحح به برخی از آنها در تعلیقات و پاورقی‌ها اشاره‌ای می‌کردند. از جمله آن شاعرانی که دیوان آن‌ها چاپ شده، می‌توان این شعرا را نام برد: سید مرتضی، وأوی دمشقی، زمخشری، ابواسحاق غزّی، ابیوردی، بدیع الزمان همدانی، صاحب بن عبّاد، ثعالبی و... ناگفته نماند که تصویر نفیسی از همین دیوان‌ها را می‌توان از پایگاه‌های اینترنتی گوناگون مانند: المجلس العلمی و المكتبة العلمیة برداشت کرد و بهره گرفت. در تعلیقات صفحه ۱۶۵ نام بدیع التّرك الأجي را که در

که در کتاب‌های دیگر چنان لقبی برای آن دو شاعر دیده نشد. همچنین در هر دو کتاب از برخی سراینندگان گمنام ابیاتی نقل شده است، مانند ابونصر الهیصم و... .

بعضی از ابیاتی که در بدائع به نام برخی شعرا منسوب شده، در جاهای دیگر به نام کسان دیگری آمده است؛ اما مصحح متذکر نشده‌اند، از آن موارد می‌توان به سه مورد ذیل اشاره کرد:

هذی نواعی العلامتّ نادیه
من بعد ما ندبتک الخُرْدُ العین
تبکی علیک العطایا و الصّلات
کما تبکی علیک الرعايا و السّلاطین

(خوارزمی ۱۳۸۲: ۱۱۵)

این ابیات در بدائع به نام ابوالعلا معرّی است که درباره صاحب بن عباد گفته است. بنده در انتساب این ابیات به معرّی مردد هستم، در یتیمه الدهر ثعالبی این دو بیت در ضمن قصیده‌ای به نام «ابوالعلاء الأصفهانی» آمده است (ثعالبی، یتیمه، ج ۳، ص ۳۲۹).

عصیت الخمر لَمّا صحّ عندی
بأنّ الخمر أفة کلّ طاعه
و لم تر مقلتی فی الخمر خیراً
سوی أن تجمع الأحباب ساعه

(خوارزمی، بدائع، ص ۱۳۴)

در بدایع این دو بیت به نام وطواط آمده است، لکن در طرائف الطُرف از صاحب کتاب دانسته شده است! و در خریدة القصر عماد اصفهانی (ج ۸، ص ۲۰۷) که تقریباً از هم عصران وطواط است به نام «وطواط» ثبت شده است؛ لله أعلم بالصّواب.

إنّ الکرام إذا ما أسهلوا ذکروا
من کان یألفهم فی المنزل الخشن

(خوارزمی، بدائع، ص ۱۰۰)

این بیت بسیار مشهور را خوارزمی به ابن العمید الکاتب نسبت داده است؛ در حالی که منابع دیگر آن را به ابوتمام هم

متن، اشعاری از وی آمده (ص ۲۸ و ۴۰) به اشتباه «بدیع‌الدین ترکو السجزی» ضبط کرده‌اند و توضیحاتی داده‌اند، که شایسته است اصلاح کنند. ضمناً حدس می‌زنم که این شخص همان «ادیب‌الترک» باشد که وطواط در حدائق (ص ۱۸، ۸۲، ۸۴) و حارثی در طرائف الطُرف (ص ۵۸، ۶۷) اشعاری از وی نقل کرده‌اند، اتفاقاً بیت زیر را وطواط (همان، ص ۱۸) به «ادیب‌الترک» نسبت داده و ما همان بیت را در بدائع (ص ۴۰) به نام «بدیع‌الترک» می‌بینیم:

تمنّت سلیمی أن أموت صبابهً
و أهونُ شیءٍ عندنا ما تمنّت

مصحح درباره «الوزیر مجیر الدوله» در تعلیقات سخنی گفته‌اند. می‌افزاییم او از وزرای ملک‌شاه سلجوقی بوده است. جاجرمی (متوفای قرن ششم) در کتاب ارزشمند نکت‌الوزراء (ص ۱۷۹) و عمادالدین اصفهانی در تاریخ دولة آل سلجوق (ص ۲۲۲) مدخلی را به معرفی وی اختصاص داده‌اند.

منابع

الإصفهانی، أبوالقاسم الحسین، مُحاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء، تحقیق عمر فاروق طباع، بیروت: دار الأرقم بن أبی أرقم، ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م.
ثعالبی، ابومنصور، یتیمه‌الدهر فی محاسن اهل العصر، ۶ج، تحقیق مفیدمحمدقمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

جاجرمی، أبوالمعالی مؤیدبن محمد، نکت‌الوزراء، تحقیق نیل عبدالمنعم داود، بیروت: شرکت‌المطبوعات للتوزیع و النشر، ۲۰۰۵م.

الحارثی، حسین‌بن محمد (مشهور به بارع بغدادی)، الطرائف‌الطرف، تحقیق هلال ناجی، بیروت: عالم‌الکتب، ۱۴۱۸ق.

خوارزمی، أبوبکر، الأمثال‌المولدة، تحقیق محمدحسین الأعرجی، أبوظبی: دارالثقافیه، ۱۴۲۴ق/ ۲۰۰۳م.

خوارزمی، قاسم‌بن حسین، بدائع‌الملح، ترجمه موفقی‌بن ظاهر خوارزمی، تصحیح مصطفی اولیایی، تهران: میراث‌مکتوب، ۱۳۸۲ش.

زمخشری، محمودبن عمر، ربیع‌الأبرار و نصوص‌الأخیار، تحقیق عبدالأمیر مهنا، بیروت: مؤسسه‌الأعلمیة للمطبوعات، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۹م.

عمادالدین اصفهانی، خریده‌القصر و جریده‌العصر، تحقیق محمد بهجة الأثری و جمیل سعد، بغداد: مطبوعات‌الجمع‌العلمی‌العراقی، ۱۳۷۵ق/ ۱۹۵۵م.

عمادالدین اصفهانی، تاریخ‌دولة‌آل‌سلجوق، تحقیق یحیی مراد، بیروت: دار‌العلمیه، ۱۴۲۵ق/ ۲۰۰۵م.

وطواط، رشیدالدین، حدائق‌السحر فی دقائق‌الشعر، تصحیح عباس اقبال، تهران: طهوری و سنایی، ۱۳۶۲ش.

استدراک

از تری‌های فلک با چشم گریانم چه باک
در فراق یوسف خود گرگ باران دیده‌ام
کی ز آه اشک مظلومان دلش آید به رحم
گرگ باران دیده باشد ظالم روباه‌باز
همانا گرگ باران دیده باشی
تو خیلی پاردم سائیده باشی

در مقاله «گرگ باران دیده» که در شماره ۵۸-۵۹ گزارش میراث (ص ۱۲-۱۵) به چاپ رسیده است، ابیات انتهایی مقاله به هم ریخته درج شده، که بدین وسیله اصلاح و از نویسنده مقاله عذرخواهی می‌شود. صورت صحیح ابیات بدین شکل است:

دوش می‌رفتم به کوی یار بارانم گرفت
در میان عاشقان من گرگ باران دیده‌ام